

یکساله هیچ حسی بهش ندارم !

... دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی هستم و بیست و پنج بهمن 25 ساله اتمام میشود، . یک ساله که خواستگار بسیار علاقمندی دارم که ازش خوشم نمی آید و در کنارش آرامش ندارم. احساس می کنم این ازدواج تحمیلی، ناموفق خواهد بود. آدمی نیست که بتوانم روش حساب کنم. وقتی به چشم شوهر بهش نگاه می کنم هیچ میلی بهش ندارم. از محله ای که توش زندگی می کنن، متنفرم. دیگه نایی برای مخالف ندارم. به نظرم این ازدواج مبارک نیست و اشتیاقی به جشن و... ندارم. البته به شرط داشتن حق طلاق، به خواست پدرم تن میدم.

پدرم خیلی موافق با این ازدواج هستند!! و میگن : تو الان نمیفهمی، چند سال دیگه ازم تشکر می کنی، از این خواستگار بدت نیومده اما وسواس شدی. و این در حالیه که پدرم اصلا آدم زورگو و یک دنده ای نبود!!!!

دکتر شیری، این ازدواجی تحمیلی چطوریه؟ چه بلایی سرآدم میاد تو ازدواج؟ چه بلایی سر روح آدم میاد با این همه احساس عدم آرامش؟ با این ازدواج چه آینده ای در انتظار منه؟

=====

خانم مهندس !

مرقومه شما را خواندم ؛ کسی که متولد 14 فوریه است و روزی بدین متفاوتی به دنیا آمده بعیده بدون عشق و علاقه بتونه بره سر خونه زندگیش بنابراین نه خودت را بدبخت کن نه ایشان را !

وقتی اینهمه دفعه کنار کسی قرار گرفته ای و هیچ حسی در طول این یکسال (!) برایت ایجاد نشده ؛ یقین بدان ایجاد نخواهد شد ! تعشق ورزیدن کاری اختیاری نیست. شاید بشه علاقه مندی را که ایجاد شده زیاد و کم کرد ولی همیشه با تفکر ایجادش کرد. سیستم لیمبیک مغز که کار هیجانی مغز را به عهده دارد بدون تحریک اولیه عمل نمیکند .

من معتقدم این ازدواج ، در بطن خود شکست دو خانواده و سرخوردگی پدرتان را به بار خواهد آورد .

مطالب مشابه :

▪ [در تصمیم گیری مانده ام](#)

▪ دختری در دو جبهه احساسی

▪ عشق چقدر لازمه تو ازدواج؟

▪ عباس راس نمیگه، میگه؟

▪ آیا ازدواج فقط در دسر است؟ ۱۳ دلیل برای ازدواج نکردن و ۴ مفهوم بزرگ برای ازدواج کردن